آفاق ۹

بصیرت امام

هیأت تراز انقلاب اسلامی در بیانات امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

شماره نهم، بهار ۱۳۹۵



ستایشگری و تقویت باورهای جوانان

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۱ فروردین ۱۳۹۵



آفتاب ۹
هیأت تراز انقلاب‌اسلامی در بیانات امام‌خمینی(ره) و امام‌خامنه‌ای(مدظله العالی)
شماره نهم، بهار ۱۳۹۵

ستایشگری و تقویت باورهای جوانان
بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار ستایشگران اهل‌بیت(ع)، ۱۱ فروردین ۱۳۹۵

به کوشش: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
صفحه‌آرا: حسن ناصری
طراح جلد: سید مجتبی نبی‌زاده
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر
تلفکس: ۵۱ ۸۹ ۹۲ ۳۲ ـ ۰۲۵
کدپستی: ۳۷۱۵۱ ـ ۳۷۱۶۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله ربّ العالمین والصّلاة والسّلام علی سیّدنا ونبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد وآله الاطیبیــن الاطهرین المنتجبین الهداة المهدیّین المعصومین. اللّهمّ صلّ علی فاطمة وابیها وبعلها وبنیها صلواتک وصلوات ملائکتک واولیائک علیهم.

تبریک عرض می‌کنم روز عید مبارک را و تشکّر می‌کنم از برادران عزیزی که برنامه اجرا کردند و جدّاً ما اســتفاده کردیم و لذّت بردیم. این سرود آخر جلسه هم هر سال حُسن ختامی است برای این جلسه که جناب آقای سازگار این سرود را هر سال انشاء می‌کنند؛ امسال خیلی هم خوب اجرا شد؛ مضامین خوب، مفاهیم خوب، درس، تعلیم، تذکّر.



مداحی مختص جامعه شیعه

در این جلســه که شــما برادران عزیز حضور دارید ـ البتّه خواهران گرامی هم هستند ـ خطاب من بیشتر به شما برادرانی است که به افتخار مدّاحی و ذاکری سیّدالشــهداء علیه‌السلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام مفتخرید. الحمدلله کمّیّت مدّاحان ـ بخصوص جوانان ـ در این عرصه کمّیّت بسیار مطلوب و زیاد و خوبی است، کیفیّت‌ها هم در بعضی از جاها واقعاً خوب است. این مسئله‌ی مدّاحی در کشور ما یک پدیده‌ای است؛ شبیه این را ما در هیچ جای دیگری نداریم. البتّه اختصاصات جامعه‌ی شیعه و چیزهای اختصاصی که در سایر جوامع اسلامی و غیر اسلامی نیست، متعدّد است؛ خود اصل عزاداری مثلاً یا اصل مصیبت‌خوانی برای اهل‌بیت علیهم‌السلام که معمولاً همراه است با مَوعظه و نصیحت و [بیان] معارف و مسائل روز و بیانات گوناگون و هرچه اقتضای هر زمانی میباشد، جزو اختصاصات شیعه است و از زمان ائمّه علیهم‌السلام تا امروز ادامه داشته است؛ در جاهای دیگر نیست و خَلأش را احساس می‌کنند. خلأش را در جاهای دیگر احساس می‌کنند و سعی می‌کنند یک جوری پر کنند و نمی‌شود. لکن این پدیده‌ی مدّاحی و نغمه‌سرایی در باب مدح و مصیبت و مرثیه و ذکر و امثال اینها هم یکی از اختصاصات اســت؛ این هم جای دیگری نیست و به این شکل وجود ندارد؛ به این عمومیّت و به این وسعت ـ چه وسعت از لحاظ کمّیّت، چه وسعت از لحاظ معانی و مفاهیم و مانند اینها ـ نیست. این پدیده درخور کار علمی است؛ یعنی واقعاً جا دارد دانشجویان ما، اساتید ما، محقّقین ما بنشینند و روی این پدیده فکر کنند، کار کنند؛ هم تفسیر و تحلیل کنند، هم راه‌های علمیِ گسترش این را به ما نشان بدهند و یاد بدهند. ما در واقع دستِ‌کم گرفتیم این پدیده را؛ خیلی پدیده‌ی مهمّی است. خب، ما بحمدالله این توفیق را داشتیم، این فرصت را داشتیم که در طول این سی‌وچند سال گذشته مثل امروز، هر سال این جلسه را با برادران مدّاح تشکیل دادیم. شاید در بین شما جمعیّت، کسانی که عمرشان از عمر این جلسه کمتر است، کم نباشند. سی‌وچند سال است که این جلسه برقرار اســت. پس فرصت خوبی است برای اینکه راجع به این پدیده یک مقداری صحبت کنیم.

بدون طهارت باطن نمی‌شود به مقامات رسید

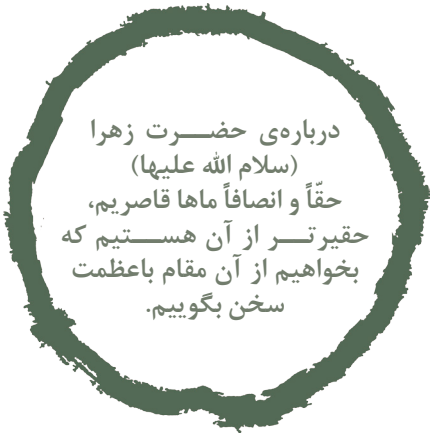
درباره‌ی حضـــرت زهرا﵄ ـ این را نه به‌عنوان اینکه آدم بخواهـــد جزو حرفهای متعـــارف و معمول که می‌زنند، بـــر زبان جاری کند ـ حقّـــاً و انصافاً ماها قاصریم، حقیرتر از آن هســـتیم که بخواهیم از آن مقام باعظمت ســـخن بگوییم؛ از حقیقت نوریِ آن بزرگـــوار و امثال ایشـــان از ائمّه‌ی معصومین، زبان ماها، بیان ماها، فهم ماها کوتاه‌تر از این اســـت که بتوانیم در این زمینه‌ها صحبت کنیم. خَلَقَكُمُ اللهُ اَنواراً فَجَعَلَكُم بِعَرشِـهِ مُحدِقين؛[1] قضیّه‌ی انوار ائمّه‌ی معصومین﵈ این اســـت؛ دیگر حالا ما چه می‌خواهیم بگوییم؟ لکن در زمینه‌ی ســـیره‌ی این بزرگواران و رفتارهای آنها و اسوه بودن آنها به‌عنوان یک بشر، چرا، حرف زیاد هست. خیلی حرفها را هم زده‌اند؛ بعضی از برادران هم در شـــعرهای امروزتان اشاره کردید. میدان هم برای حرف زدن زیاد است. در این زمینه چند جمله‌ای عرض می‌کنیم. مـــا باید راجع به حضرت زهرا﵄ از این نگاه دوّم، یعنی اســـوه بودن و مثال بودن نگاه [کنیم]. خدای متعال در قرآن راجع به دو زن به‌عنوان اســـوه‌ی مؤمنین و دو زن [به‌عنوان] نمونه‌ی کافرین ـ ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا لِلَّذينَ ءامَنُوا امرَاَتَ فِرعَونَ،[2] و بعد از یک آیه: وَ مَريَمَ ابنَتَ عِمران[3] ـ مثال زده اســـت و برای مؤمنین ـ نه برای زن‌های مؤمن؛ مرد و زن ـ دو نمونه آورده اســـت. با این نگاه می‌شود به این بزرگواران نگاه کرد به‌عنوان نمونه و از آنها درس گرفت. خب، فاطمه‌ی زهرا﵄ صدّیقه‌ی کبرا است در میان صدّیقین و صدّیقات، کبرا یعنی بزرگ‌ترین صدّیقه است این بزرگوار.

حالا می‌خواهیم از ایشان درس بگیریم؛ زن‌ها هم درس بگیرند، مردها هم درس بگیرند؛ همه ـ عالم و جاهل ـ درس بگیرند. ببینیم درباره‌ی این بزرگوار در کلمات ائمّه‌ی معصومین، آنچه ذکر می‌شود از مدایح، چه چیزهایی است. در زیارت امام رضا﵇ وقتی نوبت به حضرت زهرا می‌رسد برای صلوات ـ آن زیارتی که سر تا پا صلوات است ـ [می‌گوید]:

۱ـ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳؛ «خداوند شـما را به‌صورت نورهایی آفریده و گرداگرد عرش خود قرار داده.».

۲ـ سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۱؛ «برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مَثَل آورد....».

۳ـ سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «و مریم دخت عمران را ....».



اَللّهُمَّ صَلِ عَلی فاطِمَةَ بِنتِ نَبیِّک؛[1] این یک خصوصیّت. خب، این خصوصیّت خیلی مهمّی است؛ البتّه قابل تأسّی نیست؛ همه دختر پیغمبر نمیشوند؛ امّا انتساب به پیغمبر به‌صورت دختر او، نشان‌دهنده‌ی رفعت مقام است. وَ زَوجَةِ وَلِیِّک، این هم دوّمی؛ البتّه این هم قابل دست‌گیری نیست و همه نمی‌توانند زوجه‌ی ولیّ خدا بشـــوند؛ امّا رفعت مقام، رفعت شأن و جاه و جلال این بزرگوار را نشـــان می‌دهد. وَ اُمِّ السِّبطَینِ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ سَیِّدَی شَبابِ اَهلِ الجَنَّة؛ جنبه‌ی کاربردی این [خصوصیّت]، بیشتر از آن دو صفت قبلی اســـت؛ جنبه‌ی کاربردیِ تربیت سبطَین. سبطینی که «سَـــیِّدَی شَبابِ اَهلِ الجَنَّة» هستند، مادرشان این بزرگوار است؛ دامان پاکیزه‌ی این مادر است که توانسته اینها را تربیت بکند. این آن چیزی اســـت که می‌تواند برای ما به‌عنوان الگو، به‌عنوان اسوه مطرح بشود.

بعد، «اَلطُّهرَةِ الطّاهِرَةِ المُطَهَّرَةِ التَّقیَّةِ النَّقیَّةِ الرَّضیَّةِ الزَّکیَّة»[2] که همه‌ی اینها کاربردی است؛ طهارت، با ســـه بیان که البتّه این ســـه بیـــان «طهر»، «طاهر» و «مطهّـــر» تفاوت‌هایی از لحاظ معنا با هم دارند. البتّه [هر] ســـه تعبیر اشاره‌ی به طهارت و پاکیزگی است: طهارت روح، طهارت دل، طهـــارت مغـــز، طهارت دامـــان، طهارت سرتاســـر زندگی. خب این کاربردی است، این برای ما درس اســـت؛ باید سعی کنیم خودمان را پاکیزه کنیـــم، باید تطهیر کنیم خودمان را؛ بدون طهارت باطن نمی‌شود به مقامات رسید؛ به حریـــم ولایت این بزرگوارها هم نمی‌شـــود رسید؛ طهارت باطن لازم است. طهارت باطن، با تقوا اســـت، با ورع اســـت، با ملاحظه است؛

۱ـ کامل الزیّارات، ص ۳۱۰؛ «خدایا درود بفرست بر فاطمه دختر پیغمبرت.».

۲ـ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۳.

ملاحظـــه‌ی دائمی و مراقبت دائمی از خود طهارت به‌وجود می‌آورد. خب البتّه انسان جایزالخطا است و ممکن اســـت بر ما سیاهی‌هایی عارض بشود امّا راه پاک کردنِ آن سیاهی‌ها را هم خدا به ما نشان داده، یاد داده: توَبه، استغفار. استغفار کنیم؛ استغفار، یعنی عذرخواهی کردن؛ «اســتغفرالله»، یعنی خِدایا عذر می‌خواهم، معـــذرت می‌خواهم. واقعاً، قلباً از ته دل از خدای متعال معذرت بخواهیم؛ این استغفار است، این پاک می‌کند آن ســـیاهی را و آن لکّه را. خب، اَلطُّهرَةِ الطّاهِـــرَةِ المُطَهَّرَة التَّقيَّة، همان تقوا؛ اَلنَّقيَّة، آن نقاوت و پاکیزگی باطنی و قلبی؛ اینها خصوصیّات فاطمه‌ی زهرا﵄ اســـت. ما اینها را بایستی به‌عنوان الگو، به‌عنوان اسوه، در نظر داشته باشیم و خودمان را به آن نزدیک کنیم.

صِرف محبت کافی نیست

خب، حالا شـــما به‌عنوان مدّاح وقتـــی می‌خواهید راجع به فاطمه‌ی زهرا﵄ صحبت کنید، اینها را باید بگنجانید در بیاناتتان، در شعرتان، در مدیحه‌تان. بله، مقامات معنـــوی ائمّه﵈ و فاطمه‌ی زهرا﵄ وقتی گفته می‌شـــود، دل مستمع روشن می‌شـــود، وقتی‌که شما مقامات معنوی را می‌خوانید، دل انسان روشن می‌شود، حالت حضوری پیدا می‌کند، حالت خضوعی پیدا می‌کند، این خیلی خوب اســـت، اینها به جای خود محفوظ و لازم اســـت لکن کافی نیست. حالا که حالت حضور پیدا شد، حالا که دلتان روشن شد، باید درس بگیریم؛ درس در این جملاتِ کاربردی است؛ یعنی بایستی کوشش بشود در هر منبری ـ چه در فاطمیّه، چه در عاشورا، چه در اوقات دیگر ـ درس از ائمّه﵈، درس انسان شدن، درس کامل شـــدن، درس تقرّب الی‌الله گنجانده بشـــود. ما باید درس بگیریم، یاد بگیریم. صِرف محبّت کافی نیست. البتّه محبّت کارســـاز است امّا کافی نیستَ، ولایت لازم است. ولایت یعنی تولّی کردن، دنباله‌روی کردن، دست به دامن اینها زدن؛ راهی را که اینها رفته‌اند انسان آن راه را برود؛ این لازم است.

پرهیز از کلی گویی در مدح اهل بیت علیهم‌السلام

این یک نکته است که به نظر بنده در کار مدّاحی ـ بخصوص گویندگان، به‌معنای شعرایی که شعر میسازند ـ مورد توجّه باید قرار بگیرد: گاهی انسان میبیند که فضائلی را ذکر می‌کنند که حالا در هیچ روایتی و در هیچ جمله‌ای از معصوم هم این فضیلت وجود ندارد [و در واقع] فضیلتی هم نیست. گفت: «آنکه بسنجید رُخت را به ماه ز اشتباه» در واقع از قیمت تو کاست؛[1] به ماه تشبیه کردن و به خورشید تشبیه کردن چیزهایی نیست که ارزشی برای آن مُشبَّه به‌وجود بیاورد، آن‌هم مثل این بزرگوارانی که مقامات معنوی‌شان، مقامات الهی‌شان آن‌چنان است که چشم اهل معنا را خیره می‌کند، چه ماها که آن چشم را هم نداریم که بخواهیم بفهمیم. گاهی هم کلّیّاتی گفته می‌شود که از آن چیزی فهمیده نمی‌شود و مستمع استفاده‌ای نمی‌کند. پس من جمله‌ی اوّلم به شما برادران عزیز این است که در مدح این بزرگواران ـ چه حضرت زهرا علیهاالسلام چه ائمّه‌ی هدا علیهم‌السلام ـ حتماً از مباحث کاربردی‌ای که در زندگی اینها هست استفاده بشود.

۱ـ اشاره به بیتی از وثوق‌الدّوله؛ «آنکه بسنجید رُخت را به ماه ز اشتباه / گفت که هم‌سنگ ترازوی توست از تو کاست».

صِرف محبّت کافی نیست. البتّه محبّت کارساز است امّا کافی نیست، ولایت لازم است. ولایت یعنی تولّی کردن، دنباله‌رَوی کردن.

توجه به مسائل روز

یک نکته‌ی دیگری که خوشبختانه امروز در جامعه‌ی مدّاح تا حدود زیادی رواج دارد، توجّه به مسائل جاری روز است که خب امروز اینجا شنیدید در بخشهای مختلفی راجع به مدافعین حرم و مسائل جاری روز؛ اینها خیلی مسائل مهمّی است، اینها مسائل اساسی‌ای است؛ نباید خیال کنیم که اینها از حیطه‌ی تدیّن ما خارج است. خب شما ببینید پیغمبر اکرم که سیّد خلق عالَم است و برتر از این بزرگوار هیچ موجودی را خدای متعال نیافریده است و آورنده‌ی همین دین و همین اسلامی است که


قائد الثورة الإسلامية



ما امروز مدّعی‌اش هستیم، در زمینه‌ی مسائل جاری سیاسیِ کشورش ـ همان کشوری که آن روز وجود داشـــتَ و کشـــور کوچکی بود ـ این بزرگوار چقدر تلاش می‌کرد، چقدر زحمت می‌کشید. پیغمبر اکرم نمی‌نشست فقط احکام نماز و روزه و توجّه و عبادت و نماز شب را به مردم یاد بدهد؛ نه، در همین مسجد مردم را جمع می‌کرد، آنها را به جهاد دعوت می‌کرد، آنها را به وحدت دعوت می‌کـــرد، آنها را به آگاهی در مقابل دشمن دعوت می‌کرد؛ همین حرف‌هایی که امروز برای من و شـــما مطرح است. مسائل روز مسائلی نیست که بشود از آن صرفِ‌نظر کرد.

نظام استکبار، نظام ظلم و زور

ببینید؛ یک نظامی در عالم وجود دارد: نظام استکبار، نظام زورگویی، نظـــام ظلم؛ البتّه از قدیم هم همین نظامها بوده اســـت، منتها امروز مدرن شده است، با تجهیزات نو مجهّز شده. قدرت‌های برتر به ملّت‌ها زور می‌گویند؛ [این] زور گفتـــن هم حد و اندازه‌ای ندارد؛ اگر اموالی دارند، می‌گیرند؛ اگر نیروی انسانی قابلی دارند، از آنها می‌دزدند؛ اگر اســـتعدادی در آنها هست که آنها را تهدید می‌کند و رقیب برای آنها می‌تراشـــد، آن اســـتعداد را خفه می‌کنند؛ زورگویی انواع و اقسامی دارد. امروز این زورگویـــی در دنیا وجود دارد؛ نظام بین‌الملل جهانیِ که اســـمش را گذاشته‌اند جامعه‌ی جهانی، یعنی نظام زورگویی؛ وَالّا مراد از جامعه‌ی جهانی، دولتها و ملّت‌های دنیا که نیستند؛ دولتها و ملّتهای دنیا بیزارند از شکل این چند قدرت برتر دنیا که خودشان را

می‌گویند جامعه‌ی جهانی. جامعه‌ی جهانی یعنی همین: افرادی که مبنای کارشان زورگویی به همه‌ی ملّت‌ها و همه‌ی کشورها و همه‌ی اینها است. و ما که در جمهوری اسلامی هستیم، هم قبل از نظام جمهوری اسلامی در دوران رژیم طاغوت، نمونه‌هایش را یک‌جور دیده‌ایم، هم بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی نمونه‌هایش را یک‌جور دیگر دیده‌ایم؛ یک نظامی امروز در دنیا به این شکل وجود دارد. این نظام، ناراضی هم زیاد دارد؛ خیلی از ملّت‌ها ناراضی‌اند؛ منتها از ملّت‌ها که کاری برنمی‌آید؛ صدای ملّت‌ها را کسی نمیشنود؛ نه رسانه به آن صورت در اختیارشان است، نه اصلاً [حرف آنها] جایی حساب می‌شود؛ حالا گیرم مثلاً ده‌هزار نفر هم در یک واحد الکترونیکی مثلاً رسانه‌های الکترونیک و مانند اینها با هم جمع شدند و یک حرفی زدند، یا جمع شدند در خیابان‌ها راه رفتند؛ حالا که چه؟ در قضیّه‌ی حمله‌ی آمریکا به عراق در [کمتر از] پانزده سال قبل از این در همه‌ی این خیابان‌های پاریس و بعضی کشورهای اروپایی دیگر، راه‌پیمایی راه افتاد در مخالفت با آمریکا؛ چه اثری کرد؟ ملّت‌ها به‌خودی‌خود که کاری نمی‌توانند انجام بدهند؛ دولتها هستند که اگر چنانچه پشتیبانی ملّت‌هایشان را داشته باشند، می‌توانند حرفی بزنند و این حرف در دنیا مطرح بشود؛ چنین دولتی هم در دنیا نیست؛ دولت‌هایی هستند [ولی] می‌ترسند؛ ناراضی‌اند [ولی] می‌ترسند. من به‌نظرم در صحبت اوّل سال[1] این را گفتم که رؤسای رژیم طاغوت هم خیلی اوقات از کارهای آمریکا ناراضی بودند. در خاطرات این بازماندگانشان که آدم نگاه می‌کند، میبیند یک جاهایی خیلی هم ناراضی‌اند و در خلوت بدگویی هم می‌کنند به آنها امّا جرئت نمی‌کنند مخالفت کنند؛ به‌عنوان دولت، به‌عنوان واحد سیاسی و مدیریّت جامعه جرئت نمی‌کنند. امروز در دنیا این‌جوری است؛ خیلی‌ها ناراضی‌اند امّا جرئت نمی‌کنند مخالفت کنند.

یک نکته‌ی دیگری که خوشبختانه امروز در جامعه‌ی مدّاح تا حدود زیادی رواج دارد، توجّه به مسائل جاری روز است که خب امروز اینجا شنیدید در بخش‌های مختلفی راجع به مدافعین حرم و مسائل جاری روز؛ اینها خیلی مسائل مهمّی است

۱ـ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدّس (۱۳۹۵/۰۱/۰۱).

جمهوری اسلامی نقطه مقابل ظلم، استثمار و جنگ طلبی

یـــک نظامی در دنیا، در این بلبشـــو، در این جنگل به‌هم‌ریخته‌ی به‌هم‌آمیختـــه و ظلم و زور، به وجود آمده است که یک پایه‌هایی دارد که این پایه‌ها درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که امروز نظام جهانی بر آن استوار است؛ نقطه‌ی مقابلِ ظلم است، نقطه‌ی مقابلِ اســـتثمار اســـت، نقطه‌یِ مقابلِ جنگ‌طلبی اســـت، نقطه‌ی مقابلِ فساد اســـت؛ آن نظام، نظام جمهوری اسلامی اســـت. این نظام براساس اسلام، براساس دین، براساس تفکّرات اسلامی ناب به وجود آمده و یک جماعتی هم از اوّل در رأس این نظام قرار گرفتند که طبیعت اینها این است که از قدرت‌های بزرگ نمی‌ترسند و آن روحانیّون‌اند. این را خود تحلیل‌گرها و جامعه‌شـــناس‌های غربی، امـــروز می‌گویند؛ از اوّل انقلاب هم می‌گفتند؛ می‌گفتند این آخوندها نمی‌ترسند از ما. [البتّه] بعضی‌هایشان ممکن است وابسته هم باشند و هســـتند، امّا طبیعت نظام آخوندی در جامعه‌ی شیعه، یک چنین طبیعتی است. حالا اتّفاقاً اینها در رأسِ این نظام قرار گرفته‌اند. مردم هم که همراهی می‌کنند. مردم هم اوّلاً مردم بااستعدادی‌اند، ثانیاً جوان در بینِ اینها زیاد است ـ جمعیّت ما از ۳۵ مَیلیون در اوّل انقلاب، حالا تقریباً رسیده به ۸۰ میلیون؛ یعنی جمعیّت ناگهان افزایش پیدا کرده اســـت؛ اگرچه علیه آن [هم] دارند کار می‌کنند ـ استعداد زیاد است؛ شجاع هم هستند، نترس هم هستند. خب، وقتی‌که یک کشوری است که مردم این‌جوری فکر می‌کنند، سردمداران حکومت هم نمی‌ترسند از هیمنه‌ی[1] جهانی، این برای استکبار یک خطر عمده است، یک خطر کاملاً بزرگ اســـت. لذا جبهه علیه آن تشکیل می‌شود؛ کمااینکه الان علیه جمهوری اسلامی جبهه تشکیل شده؛ نه حالا [بلکه] از روز اوّل انقلاب جبهه تشکیل شده؛ یک جبهه‌ی دشمن به‌وجود آمده. آن روز شوروی بود و آمریکا که نقطه‌ی مقابلِ هم بودند و [اگر] در صد مسئله ـ با کم و زیادش ـ با هم اختلاف داشَـــتند امّا در مسئله‌ی جمهوری اسلامی و مخالفت با جمهوری اسلامی، همفکر و همدست بودند. یعنی طبیعت استکبار این است که با یک چنین نظامی دشمنی می‌کند.

۱ـ هیبت، عظمت.

بنده با گفتگوی سیاسی مخالف نیستم؛ البتّه نه با همه ـ استثناء دارد ـ بنده در سطح مسائل جهانی، با گفتگوی سیاسی موافقم.

گفتگوی سیاسی نه با همه

[پس] یک جبهه تشکیل دادند که این جبهه امروز هم وجود دارد و از انواع و اقسام شیوه‌ها هم دارد استفاده می‌کند؛ همچنان‌که فرض کنید بیست سال پیش اینترنت نبود، امروز هست؛ ابزارها روزبه‌روز دارد پیشرفته می‌شود. از بیشترین ابزارها و وسیع‌ترین و سریع‌ترین ابزارها علیه جمهوری اسلامی دارند استفاده می‌کنند؛ جمهوری اسلامی [هم] باید خودش را آماده کند؛ از همه‌ی ابزارها استفاده کند. [دشمن] از ابزار دیپلماسی استفاده می‌کند. دیپلماسی، گفتگوی سیاسی، مذاکره‌ی سیاسی، بده‌بستان سیاسی یکی از ابزارها است؛ اینها از آن ابزار استفاده می‌کنند. بنده هم با گفتگوی سیاسی مخالف نیستم؛ البتّه نه با همه ـ استثناء دارد ـ بنده در سطح مسائل جهانی، با گفتگوی سیاسی موافقم؛ من در این زمینه‌ها از زمان ریاست جمهوری حرف داشتم و دنبال‌گیری می‌کردم؛ این‌جور وانمود نکنند که کأنّه ما اصلاً با گفتگوکردن و مانند آن مخالفیم؛ نخیر، ما، هم بیشتر از اینها موافقیم، هم در یک جاهایی بیشتر از اینها بلدیم این کارها را؛ می‌دانیم هم که چه‌جوری باید عمل کرد. دشمن از گفتگوی سیاسی هم استفاده می‌کند. باید مراقب بود.

پس، از مذاکره استفاده می‌کند، از مبادلات اقتصادی استفاده می‌کند، از تحریم اقتصادی استفاده می‌کند، از تهدید به جنگ و سلاح استفاده می‌کند؛ در مقابل همه‌ی اینها بایستی نیروی دفاعی داشت.

دنیای فردا، دنیای همه چیز

اینکه بعضی‌ها بیایند بگویند «فردای دنیا، فردای مذاکره است، فردای موشک نیست»، این حرف اگر از روی ناآگاهی گفته شده باشد، خب ناآگاهی است، اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است. چطور [چنین چیزی] ممکن است؟ اگر چنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فنّاوری برود، دنبال مذاکره‌ی سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود ـ که همه‌ی اینها لازم است ـ امّا قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هر بی‌سَروپایی و [هر] دولت فزرتی[1] کذائی‌ای او را تهدید می‌کند که اگر

۱ـ کوچک، ناچیز.

فلان کار را نکردید، ما موشـــک میزنیم؛ خب اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب‌نشینی کنید. قدرت‌های دنیا که شـــما می‌بینید با صدای کلفت حرف می‌زنند، زور می‌گویند، غلط می‌کنند، حرفهای بـــد میزنند و زورگویی می‌کنند، بیشـــتر از همه به اســـتناد همان سلاح‌هایی اســـت که دارند؛ آن‌وقت مـــا در مقابل اینها بیاییم دســـت خودمان را خالی کنیم؟ سپاه که پیشرفتهای موشکی خودش را نشان می‌دهد، نه فقط مایـــه‌ی افتخار و مباهات ایرانی‌ها [است، بلکه] وقتی این موشکهای سپاه با این دقت و با این زیبایی آزمایش می‌شود، خیلی از ملّت‌های آزادی‌خواهِ دُوروبَر ما که دلشـــان از آمریکا و از رژیم صهیونیســـتی خون است، خوشحال میشوند. وقتی اینها انجام می‌گیرد، ما بیاییم اینها را بکوبیم و بگوییم آقا! امروز دیگر روز موشـــک گذشته! نه، روز موشک نگذشته. دشـــمن دائم در حال به‌روز کردن خود و آماده کردن خود اســـت، [بعد] ما اینجا ساده‌لوحانه خودمان را عقب بکشیم و بگوییم نه. مثل اوّل انقلاب که همین اف‌چهارده‌های ما را می‌خواستند بفروشند و می‌خواستند پس بدهند و بنده نگذاشتم. من خبر شـــدم که یکی از رجال دولـــت موقّت آن روز گفته است این اف‌چهارده‌هایی که رژیم طاغوت خریده به درد ما نمیخورد، می‌خواهیم چه کار کنیم این اف‌چهارده‌ها را! پس بدهیم بهشان. آنجا خب ما ایستادیم، هیاهو کردیم، مصاحبه کردیم و مقابله کردیم، جرئت نکردند این کار را بکنند؛ می‌خواستند پس بدهند. چند صباح بعدش، جنگ ایران و عراق پیشـــامد کرد و حمله کردند به ما و معلوم شد که ما چقدر احتیاج داریم به همین وسایلی که داریم؛ همین اف‌چهارده و همین اف‌چهار و امثال اینها. امروز هم بعضی‌ها همین آهنگ را پیش گرفته‌اند که موشک چیست، موشک می‌خواهیم چه کار کنیم، روزگار روزگار موشک نیست! پس روزگارِ چیست آقا؟

[امروز] روزگارِ همه‌چیز اســـت. روزگار مذاکره هم هســـت؛ باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد ســـرمان کلاه نرود. اینکه ما مذاکره بکنیم، روی کاغذ بیاوریم، بنویسیم، امضا کنیم، بعد آنها هم به‌حسبِ ظاهر یک کاری انجام بدهند منتها تحریمها برطرف نشـــود و تجارتِ راه نیفتد، پیدا است که یک اشکالی در آنجا هست؛ نباید بگذاریم این اشکالات به وجود بیاید و در آنجا هم باید خودمان را قوی کنیم. در اقتصاد درون کشور هم همین‌جور؛ ما گفتیم «اقدام و عمل».[1] گفتن بس اســـت؛ «دو صد گفته چون نیم‌کردار نیست». وقتی زیاد هم تکـــرار کردیم و مدام گفتیم اقتصاد مقاومتی، از دهن هم می‌افتد؛ یعنی تکراری که شد، یک چیز کسالت‌باری هم می‌شود؛ عمل کنیم. غرض این است که کشور احتیاج دارد.

۱ـ اشاره به شعار سال ۱۳۹۵: «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل».



اینکه بعضی‌ها بیایند بگویند
«فردای دنیا، فردای مذاکره است، فردای موشک نیست»،
این حرف اگر از روی ناآگاهی گفته شده باشد، خب ناآگاهی است،
اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است.

تلاش دشمن، تغییر باورهای مردم

اینها همه یک طرف قضیّه است، کار و تلاشی [هم] که دشمن می‌کند برای تغییر باورهای مردم یک طرف قضیّه اســت. اینجا آن‌وقت شما نقش ایفا می‌کنید، نقش پیدا می‌کنید؛ نقش مهم. شما از مدافع حرم هم که دفاع می‌کنید، خیلی کار باارزشــی است. همین شعرهایی که خوانده شد، همین حرف‌هایی که زده شد، اینها خیلی باارزش است، در این تردیدی نیست ـ کمااینکه در دوران دفاع مقدّس، همین شعرهایی که خوانده می‌شــد و همین ســرودهایی که گفته می‌شد، خیلی تأثیر داشت؛ این بلاشک امروز هم این تأثیر را دارد ـ منتها در کنار این یک کاری هست که آن کار اگر اهمّیّتش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ و آن تقویت باورهای جوان‌ها است. دشمن می‌خواهد باورها را تغییر بدهد؛ باور به اسلام را، باور به کارآمدی نظام اسلامی را، باور به کارآمدی را، باور به امکان تداوم نظام اســلامی را. برخلاف بدیهیّات هم دشمن کار می‌کند و تبلیغات می‌کند؛ گاهی علیه یک چیز واضح هم اقدام می‌کنند و کأنّه با خدعه و با فریب و با چشم‌بندی می‌خواهند ثابت کنند. نظام اسلامی از روزی که متولّد شده تا امروز، دائم در معرض حملات سنگین بوده؛ حملات ســنگین نظامی و تبلیغاتی و تحریم و امثال اینها و درعین‌حال، نظام اسلامی در این ۳۷ سال رشد کرده؛ یعنی یک روز نبوده است که توقّف پیدا کند؛ از همه‌جهت رشد پیدا کرده، از همه‌جهت قدرت پیدا کرده و عظمت پیدا کرده. دشمن امروز نگاه می‌کند و میبیند آن نهال باریک و نازکی که اوّل انقلاب به‌وجود آمد، امروز به یک درخت تناور تبدیل شده که «تُؤتی اُکُلَها کُلَّ حینٍ بِاِذنِ رَبِّها»؛[1] این را دارند جلوی چشمشان می‌بینند. خب این [نظامی] که این‌قدر استعداد زنده ماندن، استعداد گســترش یافتن و استعداد قوی شدن در او هســت، بعد از این هم همین‌جور قوی‌تر خواهد شد، روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد. آن چیزهایی که ما برای چشم‌انداز آینده در نظر گرفته‌ایم خیالات نیست، واقعیّات است. بنده سه چهار سال قبل از این، به جوان‌های دانشجو و اهل علم گفتم که شما باید کاری کنید که پنجاه سال بعد، اگر کسی خواست به تازه‌های علمیِ آن روز دست پیدا کند، مجبور بشود بیاید زبان فارسی

۱ـ سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد ...».

یاد بگیرد؛[1] این می‌شود، این ممکن است؛ کمااینکه در این ده پانزده سال، حرکت علمی و پیشرفت علمی همانی که گفته بودیم شد. وقتی جوان‌ها همّت کنند، وقتی صاحبان همّت و اراده همّت کنند، همه‌ی کارهای دشوار آسان خواهد شد؛ ما می‌توانیم پیش برویم. درعین‌حال، دشمن دارد روی باورهای جوان‌های ما اثر می‌گذارد: «آقا چه فایده دارد، نمی‌شود، فایده‌ای ندارد». اینها آن میدان‌هایی است که جنگ روانی دشمن در این میدان‌ها است و شما به‌عنوان مدّاح، می‌توانید اثر بگذارید، می‌توانید این جوان را از لحاظ بنیه‌ی فکری تقویت کنید.

شما از مدافع حرم هم که دفـــاع می‌کنید، خیلی کار باارزشـــی است ... منتها در کنار ایـــن یک کاری هســـت که آن کار اگر اهمّیّتش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ و آن تقویت باورهای جوانها است.

تبدیل جوانان به انسان های با اراده

این که بنده گاهـــی اوقات اعتراض می‌کنم به بعضـــی از مدّاحی‌ها که مثلاً فـــرض کنید در عزاداری دهه‌ی محرّم وقتی انسان نگاه می‌کند ـ که گاهی می‌آورند عکســـهایش را؛ حالا هم که دیگر این وسایل زیاد شده؛ البتّه بنده ندارم امّا گاهی می‌آورند به من نشـــان می‌دهند این عکســـها و مانند اینها را ـ میبینند مثلاً در یک جلســـه همه دارند همین‌طـــور میپرند هوا و می‌آیند پایین؛ خب، این چه فایده‌ای دارد؟ این چه تأثیری دارد؟ کجای این عزاداری اســـت؟ اینکه مـــن اعتراض می‌کنم، از هیجان جوان‌ها

۱ـ از جمله بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملّی نخبگان جوان (۱۳۹۲/۷/۱۷).

بنده ناراحت نیستم؛ خب جوانِ اهل هیجان است، جوان منبع انرژی است و دائماً دلش می‌خواهد انرژی خودش را تخلیه کند؛ مـــن از این باب [می‌گویم] که ایـــن وظیفه‌های بزرگ زمین نماند. وقتی‌که در یک جماعتی ده هزار جوان یا پنج هزار جوان جمع شدند و دلشان را دادند به شما، شما می‌توانید با یک اجرای عالی، هنرمندانه و پُرمغز، اینها را تبدیل کنید به انســـانهای کارآمدی که با عزم جزم بروند دنبال کار، می‌توانید هم تبدیل کنید به آدمهای بی‌خیال، بی‌فکر، ناامید و از لحاظ معنوی تهیدست؛ این کار را هم می‌شود کرد. شما از این فرصت استفاده کنید و آن شقّ اوّل را انتخاب کنید. حرف من این است.

مدّاحـــی ضمـــن اینکه مدح بهتریـــن خلایق عالم اســـت ـ موضوعش مدح بهترین خلایق عالم است کـــه اهل‌بیت‌ﷺ باشـــند لذا شـــأن و رفعت والایی دارد؛ مدّاحی به‌طور طبیعی این اســـت ـ امّا شـــما نگاه کنید ببینید مثلاً شـــاعری مثل دعبل خزاعی در قصیـــده‌ی «مدارس آیات» چـــه دارد می‌گوید؛ قصیـــده‌ی «مدارس آیات» آن قصیده‌ای [اســـت] که حضرت [رضا (ســـلام‌الله‌علیه)] تشویق کردند و به او کســـوه[1] دادند و صله دادند. این قصیده‌ای است که اصلاً بساط بنی‌عبّاس را، فلســـفه‌ی وجودی بنی‌عبّاس را زیر سؤال می‌برد و آنها را محکوم می‌کند؛ یعنی سیاســـی محض است؛ فقط این نیست که یک روضه‌خوانی محض و مرثیه‌خوانی محض باشد؛ نه، مرثیه‌خوانی لازم اســـت امّا همان کاری که در کنار مرثیه‌خوانی انجام می‌گرفته، مورد توجّه ائمّه‌ﷺ اســـت. قصیده‌ی دعبل، قصیده‌ی کُمیت، قصائد گوناگون که شـــعرای آن‌وقت می‌گفتند، دیگـــران هم می‌خواندند و انشاد می‌کردند یعنی مثل شما که با صدا می‌خوانید، چه خود شاعر، چه دیگری، می‌آمدند و آنها را با صدا برای مردم می‌خواندند؛ وسایل تبلیغات جمعی عبارت بود از همینها؛ امروز شما از همینها می‌توانید استفاده کنید؛ از وســـایل تبلیغات جمعی بهره‌مند بشوید و مردم را هدایت کنید؛ این به نظر من کار بسیار اساسی‌ای است.

۱ـ جامه و لباس.

این که بنده گاهی اوقات اعتراض می‌کنم به بعضی از مدّاحی‌ها که مثلاً فرض کنید در عزاداری دهه‌ی محرّم وقتی انسان نگاه می‌کند می‌بیند مثلاً در یک جلسه همه دارند همینطور می‌پرند هوا و می‌آیند پایین؛ خب، این چه فایده‌ای دارد؟ این چه تأثیری دارد؟ کجای این عزاداری است؟

مدح اهل بیت علیهم‌السلام بالاترین چیزها

معروف است که می‌گویند شَرف هر علمی بستگی دارد به شَرف موضوع آن علم؛ هر علمی که موضوع آن شرافت بیشتری دارد، آن علم هم شرافت بیشتری دارد. حالا اگر این را از علم به مشاغل تسرّی بدهیم، موضوع مشغله‌ی شما و کار شما و همّت شما عبارت است از مدح اهل‌بیت علیهم‌السلام و بصیرت‌افزایی و بیدارگری مستمعین؛ بالاترین چیزها است، خیلی باارزش است، از این ارزش استفاده کنید. بحمدالله جمعیّت مدّاحها هم زیاد است؛ حالا این جماعتی که امروز اینجا تشریف آوردید که جماعت قابل توجّهی است لکن تعداد خوانندگان مدّاح در سرتاسر کشور بیش از اینها است؛ تعداد در همه‌جا بحمدالله خیلی زیاد است؛ افرادی هستند که علاقه‌مندند و به این کار میپردازند؛ به‌هرحال این یک رسالت بسیار مهم است، به این رسالت باید اهمّیّت بدهید. البتّه نقش مهمّی هم شعرا ایفا می‌کنند؛ شعرا که شعر را می‌سازند نقش مهمّی را ایفا می‌کنند؛ منتها شعر بدون اجرای خوب تأثیرش کم است و شما که آن اجرای عالی را، اجرای خوب را انجام می‌دهید، آن‌وقت تأثیر می‌گذارد. امیدواریم خدای متعال به شماها توفیق بدهد، به ما هم توفیق بدهد و اوّل بتوانیم آنچه وظیفه‌مان است تشخیص بدهیم و بفهمیم و بعد هم ان‌شاءالله آن را عمل کنیم.

والسّلام علیکم و رحمةالله

مرور سریع

بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از مداحان اهل‌بیت‌ﷺ ۱۳۹۵/۰۱/۱۱

موضوعات اصلی	جملات طلایی	پیشنهاد برای مطالعه بیشتر
بیان مباحث کاربردی زندگی ائمه‌ﷺ و مسائل روز در مداحی	* اصلِ عزاداری یا مصیبت‌خوانی برای اهل‌بیت‌ﷺ که معمولاً همراه است با موعظه و نصیحت و [بیان] معارفَ و مسائل روز و بیانات گوناگون و هرچه اقتضای هر زمانی می‌باشد، جزو اختصاصات شیعه است. * درباره‌ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) حقّاً و انصافاً ماها قاصریم، حقیرتر از آن هستیم که بخواهیم از آن مقام باعظمت سخن بگوییم. * ما باید راجع به حضرت زهرا(سلام الله علیها) از این نگاه دوّم، یعنی اسوه بودن و مثال بودن نگاه [کنیم]. * بایستی کوشش بشود در هر منبری ـ چه در فاطمیّه، چه در عاشورا، چه در اوقات دیگر ـ درس از ائمّه‌ﷺ، درس انسان شدن، درس کامل شدن، درس تقرّب الی‌الله گنجانده بشود. * صِرف محبّت کافی نیست. البتّه محبّت کارساز است امّا کافی نیست، ولایت لازم است. ولایت یعنیَ تولّی کردن، دنباله‌رَوی کردن. * یک نکته‌ی دیگری که خوشبختانه امروز در جامعه‌ی مدّاح تا حدود زیادی رواج دارد، توجّه به مسائل جاری روز است که خب امروز اینجا شنیدید در بخش‌های مختلفی راجع به مدافعین حرم و مسائل جاری روز؛ اینها خیلی مسائل مهمّی است،	بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت‌ﷺ ۱۳۹۳/۰۱/۳۱
لزوم تأثیرگذاری مداحان در باورهای جوانان	* شما از مدافع حرم هم که دفاع می‌کنید، خیلی کار باارزشی است... منتها در کنار این یک کاری هست که آن کار اگر اهمّیّتش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ و آن تقویت باورهای جوان‌ها است. * دشمن می‌خواهد باورها را تغییر بدهد؛ باور به اسلام را، باور به کارآمدی نظام اسلامی را، باور به کارآمدی را، باور به امکان تداوم نظام اسلامی را. * وقتی جوان‌ها همّت کنند، وقتی صاحبان همّت و اراده همّت کنند، همه‌ی کارهای دشوار آسان خواهد شد؛ ما می‌توانیم پیش برویم. * دشمن دارد روی باورهای جوان‌های ما اثر می‌گذارد: «آقا چه فایده دارد، نمی‌شود، فایده‌ای ندارد». اینها آن میدان‌هایی است که جنگ روانی دشمن در این میدان‌ها است و شما به‌عنوان مدّاح، می‌توانید اثر بگذارید. * این که بنده گاهی اوقات اعتراض می‌کنم به بعضی از مدّاحی‌ها که مثلاً فرض کنید در عزاداری دهه‌ی محرّم وقتی انسان نگاه می‌کند می‌بیند مثلاً در یک جلسه همه دارند همین‌طور می‌پرند هوا و می‌آیند پایین؛ خب، این چه فایده‌ای دارد؟ این چه تأثیری دارد؟ کجای این عزاداری است؟	بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت‌ﷺ ۱۳۹۰/۰۳/۰۳

جزئیات تکمیلی

استفاده از فرصت‌های مداحی
بصیرت افزایی و بیدارگری مستمعین
کار علمی درباره پدیده مداحی و پیدا کردن راه‌های علمی گسترش آن توسط دانشجویان، اساتید و محققین
استفاده از مباحث کاربردی زندگی ائمه﵈ و گنجاندن درس انسان شدن، درس کامل شدن و درس تقرّب الی‌الله در مداحی
توجه به مسائل جاری روز (مانند مسئله مدافعین حرم)
تقویت باورهای جوانها (باور به اسلام، کارآمدی نظام اسلامی و امکان تداوم نظام اسلامی)
تبدیل جوانان اهل هیجان به انسان‌های کارآمد و با عزم و جزم

برخی خصوصیات حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) بر طبق زیارت نامه امام رضا﵇ و لزوم الگوگیری از آنها	
اَللّهُمَّ صَلِ عَلی فاطِمَةَ بِنتِ نَبیِّک	نشان دهنده رفعت مقام حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) که قابل تأسی نیست و همه نمی‌توانند دختر پیغمبر ﷺ بشوند
وَ زَوجَةِ وَلِیِّک	نشان دهنده رفعت مقام، شأن و جاه و جلال حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) که قابل تأسی نیست و همه نمی‌توانند زوجه‌ی ولیّ خدا بشوند
وَ اُمِّ السِّبطَینِ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ سَیِّدَی شَبابِ اَهلِ الجَنَّة	تربیت «سیدی شباب اهل الجنه» در دامان پاکیزه حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) می‌تواند برای ما به عنوان الگو و اسوه مطرح بشود
اَلطُّهرَةِ الطّاهِرَةِ المُطَهَّرَةِ التَّقیَّةِ النَّقیَّةِ الرَّضیَّةِ الزَّکیَّة	* طهارت روح، دل، مغز و دامان حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها) برای ما درس است: سعی کنیم خودمان را پاکیزه و تطهیر کنیم. * طهارت باطن با تقوا، با ورع و با ملاحظه و مراقبت دائمی از خود * و پاک کردن سیاهی‌های دل در اثر خطاهای احتمالی با توبه و استغفار

هیأت تراز انقلاب اسلامی،
همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود.
همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه باشد.
هیأتی است که شایسته بر پایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...
ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار
می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...

❊ ❊ ❊

در «آفتاب»، درجستجوی ابعاد و شاخصه های «هیأت تراز انقلاب اسلامی»
پای بیانات امام راحل(ره)
و رهبر معظم انقلاب(مدظله العالی) می نشینیم.

۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www .۱۵۴۲ .org
info @۱۵۴۲ .org